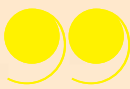


مادری و اثر آن روی جایگاه اجتماعی زن و موقعیت او، مسأله‌ایست که با اینکه خیلی مهم است اما هنوز به طور گسترده مورد پژوهش قرار نگرفته است



به مناسبت روز زن و روز مادر

بدون ما (در) هرگز!

سارا مؤمنی

دانشجوی دکتری مدیریت رسانه



مدرسه که رفتیم و در گروه همسالان مان قرار گرفتیم، اگرچه ناملوس، اما آرام آرام وارد دنیای آدم بزرگ‌ها شدیم. آدم بزرگ‌هایی مانند خواهر بزرگ‌تر دوست‌مان که دانشجوی است، مانند مادرمان که معلم است، مانند دخترخاله بزرگ‌مان که پرستار است و مانند زن عموی مان که مهندس است. از یک جایی به بعد فهمیدیم که «علائق ما»، «آینده ما» را انتخاب خواهد کرد. انتخاب رشته کردیم، درس خواندیم و در دانشگاه قبول شدیم، فارغ التحصیل شده و وارد فضای کاری جامعه شدیم، عاشق شدیم و ازدواج کردیم و حاصل عاشق شدن مان، مادر شدن بود. اگرچه تمام این مسیر اینجا در دو سه خط نوشته و به آسانی بیان شد. اما همین دو سه خط، روایت سال‌ها تلاش، انتخاب، امید، توکل، رشد و پیشرفت و یک عمر زندگی ما زن‌هاست. سختی‌ها، شیرینی‌ها، مسائل و اتفاقاتش، همه و همه متأثر از «انتخاب» خودمان است. متأثر از «علائق» و جنس زن بودن مان است. ما تقریباً در هیچ دوره‌ای از زندگی مان، از اثرگذار بودن روی جهان بیرون، دست برد نداشتیم. در جایی دختری همراه و همدم خانواده بودیم، در جایی دیگر هنرمند و زیست‌شناس و روانشناس و دانشجو بوده‌ایم، عاشق شده‌ایم و انتخاب کردیم که ازدواج کنیم، انتخاب کردیم و مادر شدیم، در ساختن نهاد خانواده شریک شدیم و با همسرمان در نگه‌داشت آن پایه‌یای هم تلاش کردیم. رشد کردیم و «رشد جهان» انتخاب مان شد و این‌طوری، جهان با ما، جایی برای زندگی شد.

معرفی می‌کنم: «ابرقهرمان!»

حضور زن‌ها در نهادهای مختلف جامعه از خانواده که اصلی‌ترین نهاد جامعه است تا نهادهای دیگر، به قدری مهم و گسترده است که زن‌ها با هراتنخابی که برای زندگی‌شان داشته باشند، اثرگذاری آن روی محیط بیرونی خود را می‌بینند. بنابراین ارزشگذاری درباره انتخابی که زنان برای آینده زندگی خود دارند، امر اشتباهی است. چیزی که مهم است، این است که در مسیر و شرایط انتخاب آنها و همچنین پس از انتخاب‌شان، گره و مشکل ایجاد نشود. چند نمونه از این انتخاب‌ها را در اینجا می‌آورم که منظور متن، روشن‌تر شود. در میان دوستانم دخترانی هستند که مجردند و در بخش‌های مهم جامعه مشغول به کار، رشد کردن و رشد دادن‌اند. دوستان مجرد و متأهلی می‌شناسم که دانشجو و در حال تحصیل و تحقیق و پژوهش هستند و این‌طوری در فضای علمی کشور حضور دارند و با تلاش و نظام فکری خود، به رشد خود و به رشد این فضا کمک می‌کنند. در گروه فامیلی و اقوام زبانی هستند که که در کنار ازدواج کردن و متأهل شدن، حضور اجتماعی دارند و شاغل هستند و بر بخشی از جامعه و مسائل‌اش که در آن تخصص دارند، اثرگذار هستند. افرادی را هم می‌شناسم که پس از تحصیلات دانشگاهی و ازدواج، با فرزندآوری و فرزندپروری مادر شده‌اند و در این امر، بیشترین اثرگذاری را روی نهاد خانواده خودشان داشته‌اند. تمام این انتخاب‌ها ارزشمند، بزرگ و اثرگذار است.

همچنین یک گروه استثنایی را که من به آنها می‌گویم «ابرقهرمان»، می‌شناسم که پس از (یا همزمان با) تحصیلات دانشگاهی، در کنار ازدواج و مادر شدن، حضور اجتماعی هم دارند و در بخشی از جامعه مشغول به فعالیت و کار هستند. همین‌جا درباره این گروه، انتخاب‌ها و مسائل‌شان خواهیم گفت.

ابرقهرمان‌ها، زیر ذره‌بین علم

مادری و اثر آن روی جایگاه اجتماعی زن و موقعیت او، مسأله‌ایست که با اینکه خیلی مهم است اما هنوز به طور گسترده مورد پژوهش قرار نگرفته است. می‌خواهم از این مقدمه شروع کنم که شتاب تحولات فرهنگی و اجتماعی به واسطه قرار گرفتن مان در عصر ارتباطات، باعث شده دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی در نهاد جامعه و خانواده اتفاق بیفتد؛ برای مثال بخشی از زنان در تطبیق خود با این تغییرات، دچار بی‌ثباتی در موقعیت‌شان بشوند و این زنان بر مبنای آماده بودن محیط و جامعه برای این دگرگونی به این افکار برسند که مثلاً ازدواج و مادر شدن مانع پیشرفت‌شان است یا به تبع آن میل فطری به مادر شدن، از نقش‌های

چرا ما مهم هستیم؟

طبیعی، در جنگ، در حوادث مختلف اجتماعی، تمام قوای یک جامعه، حکومت، شهر، کشور و جهان، نجات «مادران و کودکان» در اولویت است. اینها همه به اهمیت سلامت، امنیت، وجود و حضور زنان و مادران در جامعه اشاره می‌کند. همچنین باید بگویم که سرنوشت کودکان و خانواده، کاملاً متأثر از سرنوشت مادران و زنان است. برای همین بخش زیادی از سیاست‌هایی که در حوزه کودکان و خانواده اعمال می‌شود، طبیعتاً با سیاست‌هایی که هر حکومتی در ارتباط با زنان جامعه‌اش در پیش می‌گیرد، درهم تنیده شده است.

سبک زندگی یک ابرقهرمان

در مرکز اثرگذاری هستند و بنابراین درگیر بسیاری از مسائل الگوهای سنتی فرهنگی خانواده‌ها نیستند و در کنار لطافت زنانه و مادری، مسائل مهم و مختلفی دارند که باید روی آنها تمرکز کنند و در مسیر پیشرفت قدم بردارند. رنگ پوشالی مصرف و تجمل از نیازهای اولیه آنها مانند خوراک، پوشاک و مسکن، رخت برکشیده و همه چیز در زندگی آنها بر محور اهمیت، ارزش، پیشرفت و رشد هویت ارزشمند انسانی می‌چرخد. فراغت و تفریح را در کنار مطالعه و سینما و تئاتر دارند و به طور متمرکز از توسعه فردی به توسعه رشد فرزند، رشد خانواده و رشد جامعه در چرخش‌اند.

گفت به طور اتفاقی یکی از همکلاسی‌های مرد دوره کارشناسی ارشدش را در دانشگاه دید که او هم در یک بازه زمانی یکسان و مشابه، ازدواج کرده و بچه‌دار شده بود، اما حالا دو سالی بود که دکترایش را گرفته و استاد دانشگاه شده بود. باید همینجا بگویم که زنان بخش دوم جامعه نیستند، بلکه نیمی از جامعه هستند. جریان فرهنگی-شغلی در جامعه ما در حال حاضر بر یک مبنای اشتباه است که حضور اجتماعی زنان با حقوق کمتر، کاری با اثرگذاری کمتر و کارهای پاره‌وقت، بدون بیمه و بدون تسهیلات اجتماعی تعریف شده است. بنابراین اگر می‌خواهیم رشد، توسعه و تعالی را در جامعه، افراد و کودکان ببینیم، نیازمند بازنگری‌های فرهنگی و قانونی درباره زنان و مادران هستیم.

مطالعات انسان‌شناسی و فرهنگی نشان می‌دهد که از زمان شروع زندگی آدم روی زمین، یکی از مهم‌ترین ابعاد زندگی زنان، «فرزندآوری و فرزندپروری» است. در واقع باید این نکته را همینجا بگویم که بقای نسل بشر و انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر با زنان و مادران ایجاد می‌شود. شاید برایتان جالب باشد که بدانید امر «مادر شدن» یک تجربه جهانی است و به واسطه مادر شدن و هویت مادری تمام زنان جهان در سراسر دنیا به یکدیگر پیوند می‌خورند. وقتی داشتیم این جمله را می‌نوشتیم خیلی ناگهانی یاد این افتادم که در بلایای

انتخاب رشته، انتخاب تلاش برای قبولی در دانشگاه و قبول شدن، انتخاب ادامه تحصیل در دوره‌های تکمیلی، انتخاب حضور اجتماعی، اثرگذار بودن در جامعه، استقلال مالی و شاغل شدن، انتخاب ازدواج کردن و انتخاب مادر شدن، ابرقهرمان‌ها را می‌سازد. قطعاً این زنان و مادران، زندگی پرتنش‌تر، پرفشارتر و سخت‌تری دارند، اما اینکه انتخاب کرده‌اند علاوه بر رشد و پیشرفت فردی، نهاد خانواده را بسازند و به رشد دیگران هم کمک کنند و علاوه بر این حضور اجتماعی داشته باشند و در پیشرفت جامعه هم اثرگذار باشند، از آنها یک ابرقهرمان می‌سازد. این زن‌ها

شرایط و تلاش برابر، نتیجه نابرابر!

می‌خواهم یکی از مسائل ابرقهرمان‌ها را با یک مثال شروع کنم: یکی از دوستانم تعریف می‌کرد که بعد از فارغ التحصیلی دوره کارشناسی ارشد، ازدواج کرد و همزمان در جایی مشغول به کار شد. اما به دلیل شرایط جدید دیگر نتوانست ادامه تحصیل بدهد و دکتری بخواند. بعد از چند سال بچه‌دار شد و بنابراین به دلیل فشارهای مختلف خانوادگی (الگوی سنتی نقش‌ها در خانواده) و نبود تمهیدات و تسهیلات قانونی اجتماعی و رفاهی برای مادران شاغل مجبور شد از کار خود استعفا بدهد. اما با تلاش و پشتکار خود همزمان با مادری، دوره تحصیل در دکتری را ادامه داد و حالا بعد از چند سال که کودکش کمی بزرگ شده، موفق شده وارد حوزه کاری شود، اما با او مانند یک نیروی صفر برخورد می‌شود. جالب‌تر اینکه

اجتماعی خودشان فاصله بگیرند. یافته‌های تحقیقات مختلف نشان داده که زنان، نقش مادری را «تنها» یا «بهترین» نقش زنان نمی‌دانند، بلکه آن را در کنار و همراه سایر نقش‌ها می‌بینند. در حالی که باید هویت زنان و هویت مادری را در دو بخش سنتی و مدرن تعریف کرد و برای تنظیم و ترکیب این دو باهم برای کم کردن چالش‌های جدید زندگی زنان در عصر جدید تلاش کرد. قرار دادن نقش مادری در کنار نقش اجتماعی زنان نیازمند فرهنگسازی و تدوین قوانین جدید است.

در بهترین حالت با شرایط یکسان، زنان برای حضور و موفقیت در عرصه اجتماعی ۱۰ سال عقب‌تر از نمونه مشابه خود در جنس مردان هستند



بیشتر نیازمند این است که نقش جدید ابرقهرمانی در نهاد خانواده و جامعه برای تمام افراد از همسر و دوستان و خانواده ابرقهرمان گرفته تا نهادهای دولتی قانونگذار، درونی شود و روی هموار کردن مسیر پیشرفت او، که در واقع پیشرفت جامعه است، تمرکز کنند.

زنان را دچار چالش کرده است و از طرف دیگر در حوزه قانونی و نبود شرایط و قوانین جدید رفاهی و اجتماعی باعث شده که ابرقهرمان‌ها به تنهایی برای رشد خود، خانواده و جامعه بکوشند که این امر اگرچه ارزشمند و تحسین‌برانگیز است، اما برای ادامه داشتن و اثرگذاری

یکسان، زنان برای حضور و موفقیت در عرصه اجتماعی ۱۰ سال عقب‌تر از نمونه مشابه خود در جنس مردان هستند. باید گفت که از طرفی شرایط الگوی سنتی خانواده‌ها، هویت جدید مادران با حضور اجتماعی، ارزش‌های خانوادگی و واقعیت‌های زندگی روزمره

مهم، اثرگذار و با درآمد مطلوب، باعث شده که زنان در خانواده آگاهی و اقتدار بیشتری داشته و با روحیه‌ای پرتلاش و خستگی‌ناپذیر حضور اجتماعی و فردی در جامعه و خانواد خود داشته باشند. با مثالی که در بالا زدم می‌شود گفت که در بهترین حالت با شرایط

اگرچه الگوهای سنتی نقش‌های خانواده در حوزه زنان و مادر شدن همچنان در حال مقاومت هستند، اما حضور اجتماعی زنان و کار کردن آنها بر بالا رفتن سطح رفاه خانواده در بُعد اقتصادی اثرگذار بوده است. همچنین بالا رفتن سطح تحصیلات برای دستیابی به شغلی

حق ابرقهرمان این نیست!